احتمال اول در روایت زهری؛ اجزاء تعبدی صوم تطوع از فرض در بیان شیخ انصاری

شاگرد: روایتی که در اصول ستة عشر بود: «ان الفرائض لا تؤدی علی الشک[1]»، همان مفاد «صمت و انت لاتدری» است؟

استاد: در ذهن من هم هست. خصوص آن روایت را برای «صم للرؤیة» گذاشته‌ام. در بخش روایات «صم للرؤیه»، می‌توان به هشت تعبیر دست‌بندی کرد که یکی از آن‌ها همین است. انشاءالله می‌رسیم.

شاگرد۲: روایت «انما وقع علی الیوم بعینه»، مختص است؟

استاد: بحث الآن ما همین است.

شاگرد۲: وقتی او از «وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة» سؤال می‌کند، حضرت کلی جواب می‌دهند و می‌فرمایند اگر یک فردی یک روز از ماه رمضان را تطوعا روزه بگیرد؛ مثلاً مسافر بوده و یک دفعه رسیده و یک روز را روزه گرفته و یک دفعه فهمیده که یک روز از ماه رمضان است.

استاد: یعنی نفرموده‌اند که خصوص یوم الشک و روز اول است.

شاگرد: شاید یک فرعی بین خودشان بوده که معهود بوده که این فرع درست است. فرعی که درست می‌دانستند را حضرت جواب دادند.

استاد: صحبت سر این است که «الفرض» را چطور معنا کنیم. عرض امروز من همین است. دیروز بحث ما به اینجا رسید که این «الفرض» را چطور معنا کنیم. شما فرمایشتان را داشته باشید تا ببینیم چطور معنا کنیم.

روایت هشتم، روایت زهری بود که در کافی[2] به تفصیل آمده بود، حضرت در بخش صوم حرام فرمودند: «وَ صَوْمُ يَوْمِ الشَّكِّ أُمِرْنَا بِهِ وَ نُهِينَا عَنْهُ» تا آن جا که زهری می‌گوید: «وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟ فقال علیه‌السلام». کل این روایت بحث امروز ما است که حضرت چطور می‌خواهند از اشکال او جواب بدهند و جواب حضرت به این سؤال چه جوابی است. فرمودند:

> **عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن القاسم بن محمد الجوهري، عن سليمان ابن داود، عن سفيان بن عيينة، عن الزهري، عن علي بن الحسين عليه السلام (في حديث طويل) قال وصوم يوم الشك أمرنا به ونهينا عنه، أمرنا به أن نصومه مع صيام شعبان، ونهينا عنه أن ينفرد الرجل بصيامه في اليوم الذي يشك فيه الناس، فقلت له: جعلت فداك فإن لم يكن صام من شعبان شيئا كيف يصنع؟ قال: ينوي ليلة الشك أنه صائم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه، وإن كان من شعبان لم يضره، فقلت: وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟ فقال: لو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا وهو لا يعلم أنه من شهر رمضان ثم علم بذلك لأجزأ عنه، لان الفرض إنما وقع على اليوم بعينه. ورواه الشيخ باسناده عن محمد بن يعقوب وكذا كل ما قبله سوى حديث معاوية بن وهب، محمد بن علي بن الحسين باسناده عن الزهري مثله[3]**

«... فقال: لو أن رجلا صام يوما»؛ همانطور که آقا می‌گویند حضرت بحث را به‌خصوص یوم الشک که سیام شعبان است، نبردند. یک فرض کلی را بیان کردند که می‌تواند یوم الشک باشد. **«لو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا وهو لا يعلم أنه من شهر رمضان»**؛ مرحوم شیخ از اینجا مفهوم‌گیری کردند، صحبتش شد که این جمله می‌تواند مفهوم نداشته باشد و مثل «ان رزقت ولدا» باشد. روی حساب متعارف باشد. این بحث گذشت. **«ثم علم بذلك»**؛ بعد فهمید که این ماه مبارک بود که من تطوع روزه گرفتم، حضرت می‌فرمایند: «لأجزأ عنه»؛ مجزی است و لازم نیست که آن روز را قضا کند. چرا؟ **«لان الفرض إنما وقع على اليوم بعينه»**؛ به تعبیری که آقا فرمودند ای این «ال» را «ال» عهد می‌گیریم؛ **«الفرض»**؛ یعنی «لان ّالصوم المتطوع به» که او آورد، **«الذي جعله الله مجزيا عن الفرض انما وقع على اليوم»**؛ یعنی صادف الیوم بعینه. او گفت «کیف یجزی صوم التطوع»، حضرت می‌فرمایند «الفرض». الفرض یعنی روزه‌ای که این بنده گرفت، به‌صورت تطوع بود، اما نمی‌دانست که برای ماه مبارک است. «لان الفرض»، این «الفرض» به اعتبار ظاهر تطوعش نیست؛ به اعتبار واقعش است که ماه مبارک است. پس حضرت به این عنایت، به «الفرض» تعبیر کردند. «لان الفرض»، یعنی صوم تطوعی که این عبد آورد که «جعله الله مجزيا عن الفرض»؛ او تطوع آورد و خبر هم نداشت اما جعله الله مجزیا عن الفرض. به این عنایتی که جعله الله مجزیا عن الفرض، حضرت فرمودند «الفرض». پس «الفرض» یعنی روزه این عبد. «لان الفرض»؛ روزه واجب واقعی که برای ماه مبارک بود و او به خیالش تطوعا به جا آورد، «انما وقع على اليوم»؛ این روزه او واقع شده و صادف شده با ماه مبارک، «بعينه»؛ یعنی تعیینا ماه مبارک بوده و او این روز را گرفته است. این به این معنا «الفرض» می‌شود. یعنی روزه‌ای است که این عبد آورده است. یعنی «مأتیٌ به».

شاگرد: طبق این فرض از کلام امام استفاده می‌شود که ایشان یک کبرای کلی می‌گویند که هر روزه‌ای در ماه رمضان، از ماه رمضان محسوب می‌شود و فرض است. این را می‌توان گفت؟ یعنی هر روزه ای که شما می‌گیری اگر در بازه ماه رمضان باشد، فرض است.

> 6:07

استاد: بله، فرض است. اما به چه بیانی؟ می‌خواهم دنبال‌هاش این را عرض کنم که به چه بیانی این را می‌گویند؟ شما می‌خواهید بگویید که حضرت فرمودند هر روزه ای که در ماه مبارک بیاید، فرض است، به این بیان که شارع آن را چنین قرار داده؟ بدل او است؟ با اینکه او نیت تطوع کرده

بود. اما «جعله الله مجزی، لان الفرض صادف». چون مصادف شده خدا از او قبول می‌کند. یعنی اعمال امری تشریعی می‌شود. مثل تفضلی است که مرحوم شیخ فرمودند. فرمایش شما تاب این را دارد. به عبارت ساده‌تر تعلیل امام علیه‌السلام روی این صورت که «الفرض» را صوم عبد بگیریم، تعلیلی تعبدی است. جز از تعبد فراتر نمی‌رود. یعنی نمی‌توانیم تعلیل عرفی عام بگیریم. بلکه حضرت می‌فرمایند درست است که تطوع گرفت، اما چون مصادف با ماه مبارک بود، مجزی است و خدا قبول می‌کند. ببینید باید بگوییم که خدا قبول می‌کند. یعنی آن را واگذار به امر تعبدی کنیم که خدا می‌تواند قبول کند یا نکند. یعنی صبغه تعلیل، صبغه احاله به کار خدای متعال است؛ به تعبد است. نه به یک تعلیلی مانند استدلال ریاضی که دستگاه تکوین الهی باشد. تعلیل، تعلیل غیرتعبدی باشد. تعلیل ما یفهمه و یقبله کل احد باشد. این برای فرض اول.

شاگرد: این استدلال کم ندارد؟

استاد: نه، او می‌گوید تطوع چطور از فرض مجزی است؟ حضرت می‌فرمایند چون موافق ماه مبارک بوده، خدا به‌عنوان ماه مبارک قبول می‌کند.

شاگرد: اگر تعبد باشد بیانی بیش از این می‌خواهد.

استاد: نه، او می‌گوید تطوع چطور مجزی است؟ می‌گویند چون موافق ماه مبارک شد، خدا به جای واجب قبول می‌کند. صبغه تعلیل، تعلیل تعبدی می‌شود. مشکلی هم ندارد.

شاگرد: این بیان همانی است که شما می‌فرمایید؟

استاد: من یک احتمالی را تقریر می‌کنم. احتمال دوم را عرض می‌کنم تا ببینیم کدام اظهر است.

---

[1] الأصول الستّة عشر ص۱۶۹

[2] الكافي- ط الاسلامية ج۴ ص۸۵

[3] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۴

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مه 2026 13:39:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2026 13:46:13 توسط ... .